سرویس حوادث ۸۸۵۲۳۰۶۰

پایان گروگانگیری پیچیده با دستگیری شریک حسود طلافروش



غلامرضا مسکنی

طلافروش کینه‌جو که به دلیل حسادت به پیشرفت مالی شریک سابقش، نقشه ربودن او را با دستمزد ۴۰ میلیارد تومانی طراحی کرده بود، برای اجرای نقشه‌اش پای یک قاچاقچی سرشناس جنوب کشور را به میان کشید. این قاچاقچی با واگذاری عملیات به دو باند تبهکار دیگر، شبکه‌ای چندلایه از آدم‌ربایان تشکیل داد، اما کار آگاهان پلیس آگاهی تهران پس از ۱۸ روز تلاش شبانه‌روزی، گروگان را در یکی از مخفیگاه‌های غرب کشور نجات دادند.

روز دوشنبه بیست‌وهفتم مهرماه امسال، مرد ثروتمندی با مراجعه به اداره پلیس تهران، از ناپدید شدن ناگهانی پسر ۳۰ ساله‌اش خبر داد و درخواست کمک کرد.

شاکی در توضیح ماجرا گفت: «من از طلافروشان بازار تهران هستم و پسرم هم در همین حرفه فعالیت می‌کند. عصر روز قبل، پسرم کمی زودتر از مغازه بیرون رفت و قرار بود به خانه‌اش برود، اما نیمه‌شب متوجه شدیم هنوز به خانه نرسیده است. تا صبح همه‌جا را دنبالش گشتیم تا اینکه مردی که خودش را پاکبان معرفی می‌کرد، تلفن همراه پسرم را جواب داد و گفت آن را در فضای سبزی نزدیک بزرگراه آزادگان پیدا کرده است. او توضیح داد چون روی صفحه تلفن نام «بابا» افتاده بود، تماس را پاسخ داده است. بلافاصله با او قرار گذاشتیم و تلفن همراه و تعدادی از وسایل پسرم را که در آن محل رها شده بود، تحویل گرفتیم. حالا نگرانیم اتفاق ناگواری برای او افتاده باشد.»

با ثبت شکایت، تیمی از کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی مأمور رسیدگی به پرونده و یافتن ردی از مرد جوان شدند.

فرضیه آدم‌ربایی میلیاردی

بررسی‌های اولیه نشان داد مرد جوان علاوه بر خریدوفروش طلا، در فعالیت‌های اقتصادی دیگری نیز سرمایه‌گذاری کرده و از وضعیت مالی بسیار خوبی برخوردار است. همین موضوع فرضیه آدم‌ربایی با انگیزه اخاذی چند صد میلیارد تومانی را در ذهن کارآگاهان تقویت کرد.

از سوی دیگر، تحقیقات میدانی نشان داد چهار مرد که سوار بر یک دستگاه پژو بودند و ظاهری شبیه مأموران پلیس داشتند، مرد جوانی را که شباهت زیادی به طلافروش جوان داشته، در خیابان ناصرخسرو با تهدید اسلحه سوار خودرو کرده و با خود برده‌اند.

بازبینی دوربین‌های مداربسته نیز این موضوع را تأیید کرد. تصاویر نشان می‌داد مرد جوان ساعت ۱۷:۳۰ روز یکشنبه ۲۶ مهرماه، طبق روال همیشگی محل کارش را ترک کرده و برای رفتن به خانه وارد خیابان ناصرخسرو شده است. او قصد داشت سوار خودروی شخصی‌اش شود که ناگهان یک دستگاه پژوی سفیدرنگ مقابلش توقف کرد. چهار مرد با تجهیزات و پلیسی از خودرو پیاده شدند و پس از گفت‌وگویی کوتاه، او را به زور سوار کردند و از محل گریختند. حضور افراد مسلح و مجهز به بی‌سیم باعث شده بود رهگذران و کسبه به آنها مشکوک نشوند. با این حال، برخی شاهدان شماره پلاک خودرو را یادداشت کرده بودند. استعلام پلاک نشان داد آدم‌ربایان برای پنهان کردن هویت خود از پلاک جعلی استفاده کرده‌اند، موضوعی که پیچیدگی پرونده را بیشتر کرد.

ردپای شریک حسود

کارآگاهان در ادامه، دوربین‌های محدوده ناصرخسرو و مسیرهای منتهی به آن را بررسی کردند تا اینکه تحقیقات فنی آنها را به کامران، شریک سابق طلافروش رساند. تحقیقات درباره وضعیت مالی دو مرد نشان داد اختلاف مالی میان آنها وجود نداشته است، اما پس از جدایی، طلافروش جوان پیشرفت چشمگیری در فعالیت‌های اقتصادی خود به دست آورده و ثروتش بیشتر شده بود، در حالی که کامران نه‌تنها موفقیتی در کارش کسب نکرده، بلکه با مشکلات مالی نیز روبه‌رو شده بود.

در ادامه، بررسی تصاویر دوربین‌های مداربسته پرده از نقش کامران برداشت. تصاویر نشان می‌داد او روز حادثه حسن را از بازار تعقیب کرده و از فاصله‌ای دور، شاهد لحظه ربوده شدن شریک سابقش بوده است. با مشخص شدن نقش کامران، کارآگاهان برای دستگیری او وارد عمل شدند، اما دریافتند متهم از تهران گریخته و به مکان نامعلومی رفته است. رصدهای اطلاعاتی سرانجام مأموران را به روستایی دورافتاده در حوالی بندرعباس رساند. آنها پس از شناسایی مخفیگاه، در عملیاتی غافلگیرانه کامران را دستگیر کردند. متهم ابتدا هرگونه دخالت در آدم‌ربایی را انکار کرد، اما وقتی با مدارک و شواهد روبه‌رو شد، به طراحی نقشه آدم ربایی اعتراف کرد.

اجیر کردن قاچاقچی با ۴۰ میلیارد تومان

کامران در اعترافاتش گفت: «شریک سابقم از دوستان قدیمی من است و سال‌ها با هم شراکت داشتیم، اما بعد از مدتی از هم جدا شدیم. او آدم باهوشی است و خیلی زود در کارش پیشرفت کرد و به ثروت زیادی رسید، اما وضعیت مالی من بعد از جدایی بدتر شد. به او حسادت می‌کردم تا اینکه تصمیم گرفتم با ربودنش از خانواده‌اش اخاذی کنم. برای اجرای نقشه با مردی به نام رشید که از قاچاقچیان سرشناس جنوب کشور است، آشنا شدم و او را با وعده پرداخت ۴۰ میلیارد تومان اجیر کردم. قرار بود شریک سابقم را بربایند و پس از گرفتن پول از خانواده‌اش، من هم به زندگی‌ام سر و سامان بدهم و برای ادامه زندگی به خارج از کشور بروم.»

واگذاری گروگان به باندهای دیگر

با اعترافات کامران، تحقیقات برای دستگیری رشید ادامه یافت. بررسی‌ها نشان داد او از مهره‌های اصلی مافیای قاچاق در جنوب کشور است و ارتباطات گسترده‌ای با گروه‌های تبهکار در داخل و خارج از کشور دارد. همچنین مشخص شد رشید برای اینکه ردپایی از خود باقی نگذارد، اجرای عملیات آدم‌ربایی را به گروه دیگری از قاچاقچیان واگذار کرده است.

دستگیری رشید به دلیل داشتن افراد مسلح و نوچه‌های متعدد و همچنین مخفیگاه‌های متعدد در روستاهای صعب‌العبور با دشواری روبه‌رو بود. با این حال، کارآگاهان به‌صورت نامحسوس او را زیر نظر گرفتند تا اینکه متوجه شدند وی بدون اطلاع از دستگیری کامران، قصد دارد برای انجام هماهنگی‌های بیشتر با هواپیما راهی تهران شود.

به این ترتیب، مأموران از لحظه سوار شدن رشید به هواپیما در جنوب کشور تا رسیدن به تهران او را زیر نظر گرفتند و سرانجام هنگامی که از هواپیما در فرودگاه پیاده شد، دستگیرش کردند.

رشید ابتدا منکر دخالت در آدم‌ربایی شد، اما وقتی با کامران روبه‌رو شد، چاره‌ای جز اعتراف ندید. او گفت برای اینکه باند اصلی‌اش شناسایی نشود، عملیات آدم ربایی را با دستمزد ۲۰ میلیارد تومان به گروه دیگری از قاچاقچیان به سرکردگی مردی به نام فرزاد واگذار کرده است.

او در ادامه اعترافاتش گفت: «قرار بود در صورت موفقیت نقشه، ۲۰ میلیارد تومان بدون انجام عملیات مستقیم نصیبم شود. من از کامران مبلغی به‌عنوان بیعانه گرفته بودم و چند میلیارد تومان از آن را هم برای اجرای نقشه به گروه فرزاد پرداخت کردم.»

زنجیره چندلایه آدم‌ربایی

با دستگیری رشید و فرزاد، کارآگاهان تصور می‌کردند به حلقه اصلی آدم‌ربایی نزدیک شده‌اند، اما بررسی‌های بیشتر نشان داد این شبکه از چند لایه تشکیل شده و هر گروه، اجرای بخشی از نقشه را به گروه دیگری سپرده است.

تحقیقات مشخص کرد گروه فرزاد نیز عملیات آدم ربایی را به یک باند چهار نفره در تهران واگذار کرده است. قرار بود این افراد با دریافت ۶ میلیارد تومان، مرد طلافروش را از تهران بربایند و پس از انتقال به یکی از شهرهای مرزی غرب کشور، او را تحویل گروه فرزاد بدهند. سپس فرزاد باید دستورات بعدی را از رشید دریافت می‌کرد و رشید نیز با هماهنگی کامران، مقدمات اخاذی از خانواده گروگان را فراهم می‌کرد. کارآگاهان در ادامه دریافتند اعضای باند چهار نفره پس از آدم ربایی در پوشش پلیس، او را ابتدا به باغ‌هایی در اطراف شهریار و سپس به مخفیگاه‌های دیگری منتقل کرده‌اند. آنها پس از چند روز، گروگان را به سمت غرب کشور برده بودند تا در نقطه‌ای مرزی تحویل باند بعدی بدهند.

نجات گروگان پس از ۱۸ روز

با به دست آمدن این اطلاعات، تیم تحقیق با انجام اقدامات فنی و اطلاعاتی گسترده، رد آدم‌ربایان را در باغی در حوالی یکی از شهرهای مرزی شناسایی کرد. کارآگاهان پس از اطمینان از حضور گروگان در آن محل، برای نجات او و دستگیری متهمان وارد عمل شدند.

سرانجام پس از ۱۸ روز از آغاز ماجرای آدم‌ربایی، مأموران در عملیاتی غافلگیرانه به مخفیگاه تبهکاران یورش بردند و گروگان را سالم آزاد کردند. در جریان این عملیات یکی از آدم‌ربایان که مسئول نگهبانی از گروگان بود، دستگیر شد.

به این ترتیب، شامگاه پنج‌شنبه چهاردهم آبان‌ماه، حسن پس از ۱۸ روز اسارت به تهران منتقل و به خانواده‌اش تحویل داده شد. در جریان رسیدگی به این پرونده تاکنون سه متهم اصلی شامل کامران، طراح آدم‌ربایی، رشید، سرکرده قاچاقچیان جنوب کشور و یکی از نگهبانان مخفیگاه گروگان دستگیر شده‌اند.

سرهنگ اصغر خدایی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: تحقیقات برای شناسایی و بازداشت سایر اعضای فراری این شبکه همچنان ادامه دارد.

اشک‌های پدر و پسر در پلیس آگاهی

شامگاه پنج‌شنبه، لحظاتی پس از تحویل حسن به خانواده‌اش در محوطه پلیس آگاهی، صحنه‌ای احساسی رقم خورد. مرد جوان که پس از ۱۸ روز اسارت سرانجام پدرش را مقابل خود می‌دید، با چشمانی گریان به سوی او رفت و در آغوشش گرفت. پدر و پسر در میان جمع کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی که در عملیات نجات نقش داشتند، یکدیگر را در آغوش کشیدند و اشک ریختند.

طلافروش جوان درباره لحظه ربوده شدنش گفت: «عصر روز یکشنبه آدم‌ربایان به من حمله کردند و به زور مرا داخل خودرو انداختند. با آنها درگیر شدم، اما یکی از آنها دستم را گاز گرفت و دیگری اسپری فلفل به صورتم پاشید. نفر سوم هم اسلحه‌ای روی شقیقه‌ام گذاشت و تهدید کرد اگر تکان بخورم، شلیک می‌کند. چشمانم را بستند و حدود دو ساعت داخل خودرو بودم. بعد متوجه شدم توقف کرده‌اند. در همان زمان تلفن همراه و کیفم را از خودرو بیرون انداختند. چند ساعت بعد مرا به خانه‌ای بردند و تا صبح دوشنبه آنجا بودیم. سپس محل نگهداری‌ام را تغییر دادند و روز سه‌شنبه هم به مکان دیگری منتقل شدم. از آن روز تا زمان آزادی در همان محل در غرب کشور نگهداری می‌شدم. از مأموران پلیس که برای نجاتم تلاش کردند، تشکر می‌کنم.»

پدر او نیز با قدردانی از تلاش‌های کارآگاهان گفت: «از زحمات تک‌تک مأموران پلیس آگاهی تشکر می‌کنم. اگر تلاش‌های شبانه‌روزی آنها نبود، شاید امروز اتفاق ناگواری برای پسرم در دام آدم‌ربایان رخ داده بود.»

یادداشت

راه اخاذی را بر گروگانگیران ببندید



حسین فصیحی

دبیر گروه حوادث

گروگان‌گیری با انگیزه اخاذی، از جمله جرایمی است که فراتر از قربانی مستقیم، امنیت روانی یک خانواده و حتی احساس آرامش عمومی جامعه را هدف قرار می‌دهد. تصور اینکه فردی بتواند با ربودن یکی از اعضای یک خانواده، عزیزان او را به پرداخت پول وادار کند، به‌تنهایی برای ایجاد وحشت کافی است. اما پرسش اساسی اینجاست که چرا برخی مجرمان تا این اندازه جسور می‌شوند که آزادی و جان انسان‌ها را وسیله‌ای برای رسیدن به منافع مالی خود قرار می‌دهند؟

آدم‌ربایی برای اخاذی معمولاً با شناسایی قبلی قربانی آغاز می‌شود. مجرمان با جمع‌آوری اطلاعات، بررسی شرایط زندگی و شناسایی موقعیت مالی طعمه، سناریوی خود را طراحی و در فرصتی مناسب اقدام می‌کنند. پس از ربایش هم با تماس با خانواده، مطالبه دلار، طلا یا رمزارز را مطرح می‌کنند. تهدید به قتل گروگان در صورت اطلاع دادن به پلیس، از ابزارهای فشار روانی بر خانواده‌هاست؛ تهدیدی که ممکن است نزدیکان قربانی را در شرایطی دشوار قرار دهد و آن‌ها را به تصمیم‌گیری شتاب‌زده سوق دهد.

در چنین شرایطی، خانواده‌ای که میان پرداخت پول و حفظ جان عزیزش گرفتار شده است، بیش از هر چیز به اطمینان و حمایت نیاز دارد. اعتماد به وعده‌های آدم‌ربایان و تلاش برای حل خودسرانه ماجرا، نه‌تنها تضمینی برای آزادی و سلامت گروگان نیست بلکه ممکن است فرصت بیشتری برای ادامه اخاذی در اختیار مجرمان قرار دهد. از این رو، پلیس و دستگاه قضایی باید با اطلاع‌رسانی درست و عملکرد سریع و حرفه‌ای، این اطمینان را در جامعه ایجاد کنند که گزارش فوری حادثه، بهترین مسیر برای پیگیری و نجات قربانی است.

از منظر قانونی نیز قانونگذار برای آدم‌ربایی مجازات سنگینی در نظر گرفته است. مطابق ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی، ربودن یا مخفی کردن اشخاص با عنف، تهدید، حیله یا هر شیوه دیگر، با مجازات حبس پنج تا ۱۵ سال روبه‌روست و در شرایطی مانند کمتر بودن سن قربانی از ۱۵ سال، استفاده از وسیله نقلیه یا وارد شدن آسیب جسمی و حیثیتی، مجازات تشدید می‌شود. با وجود این ظرفیت قانونی، صرف تعیین مجازات سنگین برای ایجاد امنیت کافی نیست. آنچه اهمیت دارد، افزایش احتمال شناسایی و دستگیری سریع مجرمان، جلوگیری از تکرار جرم و اطمینان‌بخشی به خانواده‌هایی است که در لحظات بحرانی چشم‌انتظار بازگشت عزیزانشان هستند.

مطالبه جامعه روشن است: هیچ مجرمی نباید تصور کند که می‌تواند با تهدید جان انسان‌ها، خانواده‌ای را به زانو درآورد و از این راه به پول برسد. پلیس باید با تقویت اقدامات پیشگیرانه، شناسایی شبکه‌های احتمالی آدم‌ربایی و واکنش سریع به گزارش‌ها، عرصه را بر چنین مجرمانی تنگ کند.

امنیت زمانی معنا پیدا می‌کند که شهروندان بدانند در سخت‌ترین لحظات تنها نیستند و هیچ تهدیدی نمی‌تواند مانع حمایت قانون از جان و آزادی آن‌ها شود. گروگان‌گیری نباید به راهی برای ثروت‌اندوزی مجرمان تبدیل شود؛ مطالبه عمومی، برخورد قاطع و بازدارنده با کسانی است که جان انسان‌ها را ابزار اخاذی قرار می‌دهند.

یک نسخه برای همه معتادان پاسخگو نیست

سرپرست معاونت پیشگیری و درمان ستاد مبارزه با موادمخدر با تأکید بر ضرورت تغییر رویکردهای درمانی گفت: اعتیاد پدیده‌ای پیچیده است و نمی‌توان برای همه افراد درگیر مصرف موادمخدر، بدون توجه به شرایط و وضعیت مصرف آن‌ها، یک نسخه درمانی واحد تجویز کرد.

به گزارش جوان، زهرا عابدینی با اشاره به اهمیت حمایت خانواده‌ها از افراد درگیر اعتیاد اظهار کرد: انگ‌زنی، سرزنش و طرد این افراد می‌تواند مسیر حمایت و درمان را دشوار کند. از این رو، خانواده‌ها و مسئولان باید به جای قضاوت و برخوردهای سلبی، زمینه مداخله صحیح و حمایت از آنان را فراهم کنند.

وی افزود: برنامه درمانی هر فرد باید متناسب با نوع و میزان مصرف، سن، جنسیت و شرایط روحی و جسمی او طراحی شود؛ چراکه نیازهای فردی که یک یا دو بار مصرف داشته با کسی که به‌طور مستمر درگیر مصرف موادمخدر است، تفاوت دارد.

سرپرست معاونت پیشگیری و درمان ستاد مبارزه با موادمخدر همچنین بر ضرورت عبور از درمان صرفاً دارویی و نگهدارنده تأکید کرد و گفت: درمان اعتیاد باید علاوه بر اقدامات تخصصی و دارویی، مراحل روان‌درمانی، بازتوانی و حمایت‌های اجتماعی را نیز شامل شود تا فرد در نهایت بتواند به زندگی عادی و جامعه بازگردد. همچنین آگاهی‌بخشی به خانواده‌ها، آموزش کودکان و نوجوانان از سال‌های نخست زندگی و شناسایی زودهنگام عوامل خطر از الزامات پیشگیری مؤثر از اعتیاد است.

مرگ ۲ نوجوان در تصادفات تهران



پنج حادثه رانندگی منجر به فوت در هفته دوم آبان‌ماه در معابر پایتخت ثبت شد که در میان جان‌باختگان، دو نوجوان ۱۴ و ۱۷ ساله نیز حضور داشتند.

به گزارش جوان، سردار سیدابوالفضل موسوی‌پور، رئیس پلیس راهور تهران بزرگ، اعلام کرد: ناتوانی در کنترل وسیله نقلیه، سرعت نامطمئنه و بی‌توجهی به جلو از عوامل این تصادفات بوده است. در یکی از این حوادث، نوجوان ۱۴ ساله‌ای که سرنشین موتورسیکلت بود، در برخورد با خودروی رنو در بزرگراه مدرس جان باخت. او کلاه ایمنی نداشت. در حادثه‌ای دیگر نیز سرنشین ۱۷ ساله یک خودروی پژو بر اثر واژگونی در بزرگراه شهید لشگری جان خود را از دست داد.

برخورد خودرو با موتورسیکلت در بزرگراه یاسینی نیز به مرگ موتورسوار ۳۰ ساله انجامید. یک عابر ۶۹ ساله و راننده یک دستگاه سمند نیز در دو حادثه دیگر جان باختند. پلیس راهور با هشدار درباره پیامدهای سرعت نامتناسب و ناتوانی در کنترل خودرو، بر ضرورت استفاده موتورسواران از کلاه ایمنی و رعایت مقررات رانندگی تأکید کرد.

کلاهبرداری از زنان با وعده ازدواج

مرد فریبکار که با وعده ازدواج، اعتماد چند زن را جلب و از آنان کلاهبرداری کرده بود، با تلاش کارآگاهان پلیس آگاهی تهران دستگیر شد.

به گزارش جوان، سرهنگ رضا حاتمی، فرمانده پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران بزرگ، گفت: رسیدگی به پرونده بازداشت داماد قلابی پس از شکایت زنی در دادسرای ناحیه ۶ تهران آغاز شد. شاکی اعلام کرد مردی با وعده ازدواج، اعتماد او را جلب کرده و پس از دریافت مبلغ قابل‌توجهی پول، متواری شده است. کارآگاهان با بررسی مسیر انتقال وجوه، اطلاعات دستگاه کارت‌خوان و تصاویر فرد حاضر در محل، هویت واقعی متهم را شناسایی کردند و پس از هماهنگی قضایی او را به دام انداختند. به گفته سرهنگ حاتمی، متهم پس از مواجهه با مستندات پلیسی به کلاهبرداری از چند زن با همین شیوه اعتراف کرده است. تحقیقات برای شناسایی سایر شاکیان احتمالی همچنان ادامه دارد.

پزشک قلابی با مهر جعلی جراحی می‌کرد

پزشک قلابی که با معرفی خود به‌عنوان جراح زیبایی در اینستاگرام فعالیت و از شهروندان مبالغ هنگفتی دریافت می‌کرد، با تلاش پلیس فتای تهران بزرگ دستگیر شد.

به گزارش جوان، سردار داود معظمی گودرزی، رئیس پلیس فتای تهران بزرگ، گفت: همزمان با شکایت‌های متعدد از فعالیت جراح زیبایی قلابی، بررسی‌های تخصصی آغاز شد. تحقیقات نشان داد متهم با راه‌اندازی صفحه‌ای در اینستاگرام و انتشار تصاویر و نمونه‌کارهای جراحی پزشکان دیگر، اعتماد مخاطبان را جلب می‌کرد و در قبال دریافت پول، خدمات زیبایی و جراحی ارائه می‌داد. بررسی‌های اولیه همچنین نشان داد این فرد فاقد مدارک و صلاحیت پزشکی بوده و برای پیشبرد فعالیت خود از مهر و مدارک دیگر پزشکان سوءاستفاده می‌کرد. برخی شاکیان نیز از بروز عوارض پزشکی پس از دریافت خدمات خبر داده‌اند. رئیس پلیس فتای تهران بزرگ میزان کلاهبرداری منتسب به متهم را بیش از ۵میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان اعلام کرد و از شهروندان خواست پیش از دریافت خدمات پزشکی و زیبایی، صلاحیت ارائه‌دهندگان این خدمات را از مراجع رسمی، از جمله سازمان نظام پزشکی، استعلام کنند و فریب تبلیغات و تصاویر شبکه‌های اجتماعی را نخورند.

جوان

ویژه تهران

فرم اشتراک روزنامه جوان ۱۴۰۵

۱- مبلغ اشتراک را براساس جدول راهنما به شماره کارت ۵۸۹۲۱۰۷۰۴۴۲۱۶۱۴۴ بانک سپه به نام شرکت پیام‌آوران نشر روز واریز نمایید.

۲- فرم پر شده اشتراک را به همراه تصویر فیش بانکی به شماره تلفن همراه ۰۹۱۲۷۰۳۷۴۴۹ در شبکه‌های مجازی ایتا و تلگرام ارسال نمائید.

۳- ارسال روزنامه پس از رسیدن فیش و فرم اشتراک از اول و شانزدهم هر ماه آغاز می‌شود.

۴- در صورت تغییر نشانی در اسرع وقت امور مشترکین را مطلع فرمایید.

هزینه اشتراک (مبالغ به تومان می‌باشد)	۳ ماهه	۶ ماهه	۹ ماهه	یک ساله
	۷۹۲,۰۰۰	۱,۵۸۴,۰۰۰	۲,۳۷۶,۰۰۰	۳,۱۶۸,۰۰۰

آدرس: تهران، خیابان بیهقی، کوچه شهید اکبر زجاجی (چهاردهم غربی)، پلاک ۱۲

کدپستی: ۱۵۱۴۷۵۵۳۱۵

نام و نام خانوادگی

نام شرکت یا مؤسسه

تلفن تماس

نشانی:

تلفن: ۸۸۷۳۰۹۴۲ - ۸۸۴۹۸۴۷۵